

گونه‌شناسی پیامدهای اعمال صالح و ناصالح در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه

شهلا کاظمی میرکی^۱ - کبری خسروی^۲

چکیده

براساس آموزه‌های اسلام، اعمال انسان دارای نتایج مشخصی است که بر سعادت یا شقاوت او اثرگذار است. توجه دل‌سوزانه امام علی علیه السلام به تربیت و هدایت انسان‌ها در نهج البلاغه از طریق بیان نتایج و پیامدهای اعمال صالح و طالح نمودی ویژه یافته است. پژوهش حاضر با استقرای تام و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سبک بیانی امام علی علیه السلام و گونه‌شناسی پیامدهای اعمال در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه پرداخته است. با تحلیل چهل عمل صالح و ۵۶ عمل ناصالح و پیامدهای آن‌ها مشخص شد که امام علی علیه السلام با تأکید بر پیامدهای دنیوی اعمال، به‌ویژه اعمال ناصالح، مخاطبان را به انجام اعمال نیک و پرهیز از اعمال زشت ترغیب می‌کنند. افزون بر این روشن شد که تعداد پیامدهای فردی اعمال، چه نیک و چه بد، بیشتر از پیامدهای اجتماعی است. امام علی علیه السلام با استفاده از روش‌های متنوعی مانند بیان اعمال متقابل و یادکرد پیامدهای ساده، چندگانه، مشترک و متتابع به پیچیدگی‌ها و ابعاد پیامدهای اعمال انسانی پرداخته‌اند.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد نهج البلاغه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان.

Sh.kazemimi@gmail.com

Khosravi.k@lu.ac.ir

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، (نویسنده مسئول).

دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۵

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، اعمال صالح و ناصالح، نامه‌ها و خطبه‌ها، پیامد اعمال، اعمال فردی.

مقدمه

انسان به عنوان موجودی هدفمند برای نیل به سعادت و کمال حقیقی آفریده شده؛ از این رو خداوند متعال با وضع سنت‌های الهی، نقشه‌راهی در اختیار او قرار داده تا با پیروی از آن به سرمنزل مقصود برسد. انذار و تبشیر، دو رکن اساسی در سنت‌های الهی و ابزارهایی کارآمد در مسیر تربیت انسان به شمار می‌روند. پیامبران و برگزیدگان الهی همواره از این دو روش برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت حقیقی بهره برده‌اند. انذار به معنای بیم دادن و آگاهی دادن از عواقب گناه و اعمال ناشایست است. اولیای الهی با انذار، انسان‌ها را از خطرات و لغزشگاه‌های پیش رو آگاه کرده و آنان را به پرهیز از گناه و اعمال ناپسند تشویق می‌کنند. تبشیر در مقابل انذار قرار دارد و به معنای نوید دادن و بشارت دادن به پاداش نیکوکاری و اعمال صالح است. معصومین علیهم السلام با تبشیر به انسان‌ها امید و انگیزه بخشیده و آنان را به سوی انجام اعمال نیک و کسب فضایل اخلاقی راهنمایی می‌کنند.

یکی دیگر از مهم‌ترین سنت‌های الهی سنت پاداش و کیفر است که به رابطه اعمال و آثار آن‌ها می‌پردازد. براساس این سنت، هر عملی که از انسان صادر می‌شود، در دنیا و آخرت اثری در پی دارد. اعمال نیک، آثاری مثبت مانند افزایش روزی، طول عمر، علم، حکمت و آرامش روحی به ارمغان می‌آورند و اعمال بد به پیامدهایی منفی مانند سلب نعمت، کوتاهی عمر، قساوت قلب و عذاب الهی می‌انجامند.

نهج البلاغه کتابی جامع و چندبعدی است که سخنان حکیمانه و آموزنده امام علی علیه السلام را در بر می‌گیرد. این کتاب در حوزه‌های مختلفی مانند اخلاق، سیاست و تهذیب نفس به عمق جان انسان‌ها نفوذ کرده و به عنوان میراثی ارزشمند و الهام‌بخش همواره مورد توجه بوده است. نهج البلاغه به علت جامعیت و عمق اندیشه از دیرباز مورد مطالعه و بررسی اندیشمندان قرار گرفته و به عنوان یکی از منابع مهم شناخت اسلام و

ارزش‌های انسانی شناخته شده است (مطهری، ۱۳۷۶: ۴۲).

در مکتب تربیتی امیرالمؤمنین علیه السلام نمونه‌های مختلف بشارت و انداز از مکافات عمل به صورت مادی، معنوی، فردی و اجتماعی به چشم می‌خورد. در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، نمونه‌های متعددی از اعمال و آثار آن‌ها ذکر شده که نشان‌دهنده توجه عمیق امام علی علیه السلام به این موضوع و اهتمام ایشان به تربیت و هدایت انسان‌ها به مسیر درست زندگی است. امیرمؤمنان علیه السلام در موارد متعددی، نتایج مثبت و منفی اعمال صالح و طالح را در دنیا و آخرت بیان فرموده و از آن به عنوان راهی مناسب برای سوق دادن انسان‌ها به صلاح و کمال و بازداشتن آنان از پلیدی و سقوط استفاده کرده‌اند.

پژوهش حاضر درصدد است که پس از استخراج پیامدها و نتایج اعمال مختلف از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، به گونه‌شناسی پیامدها پردازد و رابطه بین اعمال و آثار آن‌ها را تشریح کرده، تأثیرات مادی و معنوی اعمال انسان و اثرات فردی و اجتماعی آن‌ها را بیان کند؛ چراکه بررسی ساختارهای مرتبط با پیامدها می‌تواند به درک عمیق‌تری از شیوه بیان امام علی علیه السلام در ترسیم ارتباط علی اعمال بینجامد.

پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال‌هاست: چه جایگاهی برای پیامدهای اعمال در نظام تربیتی امام علی علیه السلام می‌توان قائل شد؟ ایشان از چه شیوه‌هایی برای بیان اعمال و توصیف پیامدهای آن بهره برده و چه نوع پیامدهایی در اندیشه تربیتی‌شان از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است؟

۱. پیشینه بحث

آثار متعددی از جمله کتاب‌ها و مقالات گوناگون به‌طور کلی به بازتاب اعمال و نتایج آن پرداخته‌اند؛ اما با وجود اهمیت موضوع پیامدگویی در نهج البلاغه، تاکنون پژوهشی جامع و تفصیلی به بررسی سبک‌های متنوع ذکر پیامدهای اعمال در نامه‌ها و خطبه‌های این کتاب اختصاص نیافته است.

از جمله پژوهش‌های نزدیک به موضوع مقاله حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

رحیمی فاضلی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «بررسی نتایج اعمال در حکمت‌های نهج البلاغه»، به بررسی نتایج حسنات و سیئات در حکمت‌های نهج البلاغه پرداخته و حدود چهل مورد را به اختصار ذکر کرده است. بایگانیان و خوش‌خاضع (۱۴۰۱) نیز در مقاله «سبک‌ها و گونه‌های پیامدگویی در پندهای اخلاقی حکمت‌های نهج البلاغه»، تنها به بررسی پیامدهای اعمال در حکمت‌های نهج البلاغه پرداخته‌اند. پژوهش حاضر بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای مبتنی بوده و تحلیل داده‌ها در آن به صورت توصیفی - تحلیلی و با استقرای تام صورت گرفته است.

۲. ضرورت بحث

در دنیای امروز که انسان‌ها با چالش‌های اخلاقی و اجتماعی متعددی روبه‌رو هستند، ضرورت پژوهش در تبیین آموزه‌های نهج البلاغه درباره پیامدهای اعمال نیک و بد، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. با مطالعه و تحقیق در این زمینه می‌توان گامی مهم برای ارتقای سطح اخلاقیات، بهبود روابط اجتماعی و هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت حقیقی برداشت. پژوهش حاضر نه تنها به درک عمیق‌تر آثار و نتایج اعمال در دنیا و آخرت کمک می‌کند، بلکه منبعی است ارزشمند برای مربیان، پرورش‌دهندگان و تمام کسانی که به دنبال هدایت انسان‌ها به مسیر درست زندگی هستند.

۳. بررسی انواع اعمال

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه با اتخاذ رویکردی جامع و تربیتی، به بررسی عمیق ارتباط اعمال و نتایج آن پرداخته‌اند. راغب اصفهانی تعریفی دقیق از واژه «عمل» ارائه می‌دهد. او معتقد است که عمل به هر فعل و کاری اطلاق می‌شود که با اراده و اختیار انجام گیرد و به معنایی دقیق‌تر از «فعل» متمایز است. او فعل را به کارهایی اطلاق می‌کند که بدون اراده و اختیار انجام می‌شوند؛ مانند حرکات حیوانات و گاه حتی جمادات. اما واژه عمل بار معنایی ظریف‌تری دارد و کمتر درباره حیوانات به‌کار می‌رود. تنها موردی که راغب اصفهانی عمل را درباره حیوانات به‌کار برده، در عبارت «الْبَقَرُ الْعَوَامِلُ» (گاوهای شخم‌زن)

است. افزون بر این، عمل دربارهٔ هر دو نوع کار، نیک و بد، به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۶۵۱). عمل در مقایسه با فعل دامنهٔ گسترده‌تری دارد و شامل افعال قلوب و جوارح می‌شود و در جایی به کار برده می‌شود که از روی عقل و فکر صادر شده باشد (شرتونی، ۱۴۱۶: ۳ / ۶۴۴). تحلیل محتوای متن نامه‌ها و خطبه‌های نهج البلاغه نشان می‌دهد که می‌توان اعمال انسان‌ها را براساس معیارهای اخلاقی و دینی به دو گروه عمدهٔ صالح و ناصالح تقسیم‌بندی کرد.

۱-۳. اعمال صالح

عمل شایسته و صالح مفهومی است کلی و جامع که طیف وسیعی از اعمال و رفتارهای نیک و پسندیده را در بر می‌گیرد (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱۴ / ۳۳۹). این اعمال نه تنها باعث سعادت دنیوی و اخروی انسان می‌شوند، بلکه به تعالی روح و تزکیهٔ نفس نیز کمک می‌کنند. به عبارت دیگر، عمل صالح یکی از ارکان اساسی زندگی دینی است که نقش مهمی در کمال و سعادت انسان بازی می‌کند.

۲-۳. اعمال ناصالح

عمل ناصالح به هر نوع رفتار و کردار خلاف دستورات الهی و آموزه‌های دینی اطلاق می‌شود. این گونه از عمل که می‌تواند گناهان کبیره و صغیره، رفتارهای غیراخلاقی و فعالیت‌های ضداجتماعی را در برگیرد، پیامدهای منفی و زیان‌باری برای فرد و جامعه در پی دارد. مصادیق عمل ناصالح شامل مواردی مانند شرک، قتل، زنا، دروغ، غیبت، تهمت، بی‌عدالتی، خیانت، دزدی و ... می‌شود. این اعمال نه تنها باعث دوری از خداوند، عذاب و جدان، اضطراب و افسردگی در فرد می‌شوند، بلکه به فساد و تباهی جامعه، ناامنی و بی‌عدالتی نیز می‌انجامند. عوامل مؤثر بر ارتکاب عمل ناصالح شامل ضعف ایمان، فقدان تربیت دینی، تبعیت از نفس و معاشرت با افراد فاسد است. بنابراین برای اجتناب از عمل ناصالح، تقویت ایمان، تربیت دینی، مبارزه با نفس و معاشرت با افراد صالح ضروری است. درنهایت، عمل ناصالح رفتاری مغایر با آموزه‌های

الهی است که با پرهیز از آن و گام برداشتن در مسیر تقوا و رستگاری می‌توان به سعادت و کمال حقیقی دست یافت.

۴. تحلیل پیامدهای اعمال صالح و ناصالح در نهج البلاغه

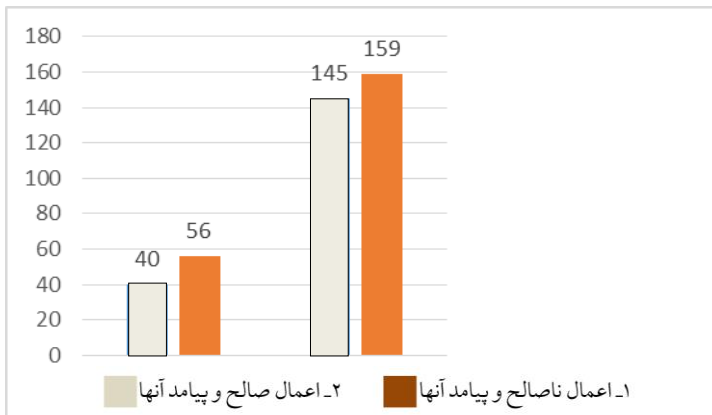
در پژوهش حاضر، چهل عمل صالح که در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه به آن‌ها اشاره شده و پیامدهای مشخصی برایشان ذکر گردیده، شناسایی و تحلیل شده است؛ از جمله:

اجتناب از حرام (خ ۲۲۳)، اجتناب از خیانت (خ ۲۳)، انجام واجبات (خ ۱۹۲، ۱۶۷، ۴۵)، ایمان به خداوند (خ ۱۱۰، ۱۵۶)، پندپذیری (خ ۱۶، ۸۶، ۱۵۳)، تواضع (خ ۱۹۲، ۵۳)، جهاد (خ ۲۷، ۶۶، ۱۱۰)، حج و عمره (خ ۱، ۱۱۰، ۱۹۲)، حجاب (ن ۳۱)، ذکر خداوند (خ ۲۲۲، ۲۲۷، ۳۱، ۴۵)، روزه (خ ۱۱۰، ۱۹۲)، زکات (خ ۱۹۲، ۱۹۹)، شکرگزاری (خ ۹۰، ۱۵۷)، صبر (خ ۲۶، ۷۶، ۱۰۶، ۱۷۳، ۱۸۸، ۱۹۲، ۳۱)، صدقه (خ ۱۱۰، ۱۴۲، ۳۱)، صلۀ رحم (خ ۱۱۰، ۱۴۲، ۲۰۹، ۳۱)، کنترل خشم (ن ۳۱، ۶۹)، قناعت (خ ۱۱۱، ۳، ۴۵)، نماز (خ ۱۱۰، ۱۹۹، ۲۷)، یاد مرگ (خ ۸۴، ۳۱) و ...

افزون بر این ۵۶ عمل ناصالح و پیامدهای زیان‌بار آن‌ها نیز از خطبه‌ها و نامه‌ها استخراج شده است؛ از جمله:

انتخاب دینی غیر از اسلام (خ ۱۶۱)، آرزوهای طولانی (خ ۴۲، ۸۶، ۱۱۲، ۱۴۷، ۳۱)، بدعت (خ ۵۰، ۱۴۵، ۱۶۹، ۱۷۵)، پرحرفی (ن ۳۱)، ترک امر به معروف و نهی از منکر (خ ۱۹۲، ۴۷)، ترک جهاد (خ ۲۷، ۱۲۳)، ترک حج (ن ۴۷)، ترک واجبات (خ ۸۳)، تکبر (خ ۲، ۱۳۳، ۱۹۲، ۲۱، ۳۱، ۵۳)، دروغ (خ ۱۶، ۸۶، ۴۸)، ریاکاری (خ ۲۳، ۸۶)، ستمکاری (خ ۹۷، ۱۵۸، ۱۷۶، ۱۹۲، ۴۸، ۵۳)، رعایت نکردن حقوق دیگران (خ ۲۱۶، ۷۹)، کنترل نکردن زبان (خ ۱۷۶)، فراموشی آخرت (خ ۸۴)، مشورت با افراد بخیل، ترسو و حریص (ن ۵۳)، نافرمانی از رهبر (خ ۳۵، ۳۹، ۱۶۹)، هم‌نشینی با فاسقان (ن ۶۹)، یاری نکردن حق (خ ۱۶۶) و ...

در نمودار زیر، اعمال صالح و ناصالح و پیامدهای آن‌ها مقایسه شده است:



شکل ۱. مقایسه تعداد اعمال صالح و ناصالح و پیامدهای آن‌ها

با توجه به تحلیل انجام شده روی خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، اعمال ناصالح و پیامدهای منفی آن‌ها سهم بیشتری از کل داده‌ها را به خود اختصاص داده است. علت تأکید بیشتر امام علی علیه السلام بر اعمال ناصالح در نهج البلاغه را می‌توان در چند عامل جست‌وجو کرد: نخست، شرایط اجتماعی پیچیده آن زمان و نیاز به اصلاح جامعه‌ای که با فساد و بی‌عدالتی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. دوم، پیشگیری از انحراف افراد و هدایت آن‌ها به سوی کمال. سوم، توجه به ضعف‌های ذاتی انسان و لزوم آگاهی بخشی درباره عواقب اعمال ناصالح. چهارم، روش تربیتی امام علی علیه السلام که بر عقلانیت و آگاهی بخشی بنا شده بود، ایجاب می‌کرد که ایشان بیشتر به تبیین پیامدهای منفی اعمال ناصالح بپردازند؛ هرچند ایشان از بیان فضایل اخلاقی و اعمال صالح نیز غافل نبودند. پنجم، انجام فضایل و پرهیز از رذایل که نه تنها وظیفه‌ای اخلاقی، بلکه انتخابی عاقلانه است؛ زیرا این انتخاب بر کیفیت زندگی فرد در دنیا و سعادت او در آخرت تأثیرگذار است.

۴-۱. بررسی انواع پیامدها

این کلمه به نقطه‌نهایی یک رویداد، فرایند یا عمل اشاره دارد و نشان‌دهنده آن چیزی

است که سرانجام از آن حاصل می‌شود. پیامد می‌تواند مثبت یا منفی باشد و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از اقدامات یا انتخاب‌ها و اعمال انسان ناشی شود. در واقع پیامدها بازتاب اعمال فرد در دنیای اطراف او هستند. هرکاری که فرد انجام می‌دهد، هر تصمیمی که می‌گیرد و هر کلمه‌ای که به زبان می‌آورد، پیامدی کوچک یا بزرگ دارد. بنابراین درک عواقب اعمال و انتخاب‌های آگاهانه و مسئولانه از اهمیت بالایی برخوردار است.

۴-۱-۱. براساس گستره تأثیر

پیامدهای اعمال از نظر گستره تأثیرگذاری به دو دسته کلی فردی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌شوند. پیامدهای فردی به نتایجی اشاره دارند که به‌طور مستقیم بر خود فرد اثر می‌گذارند؛ مانند خودسازی، بهشتی شدن و تقرب به خداوند متعال. پیامدهای اجتماعی نیز به نتایجی اشاره دارند که بر جامعه اثر می‌گذارند؛ مانند ملاحظت با دیگران و پیروزی در جهاد با دشمن.

درست است که پیامدهای فردی به‌طور مستقیم بر خود فرد و پیامدهای اجتماعی بر جامعه اثر می‌گذارند، اما این امر به معنای آن نیست که این دو نوع پیامد کاملاً از یکدیگر مجزا هستند. تشخیص مرز دقیق بین پیامدهای فردی و اجتماعی همیشه آسان نیست؛ چراکه بسیاری از پیامدها، هم فردی و هم اجتماعی‌اند؛ برای نمونه تقرب به خداوند که پیامدی فردی است، می‌تواند به ایجاد آرامش و امنیت در جامعه نیز کمک کرده و از این نظر پیامدی اجتماعی به‌شمار آید.

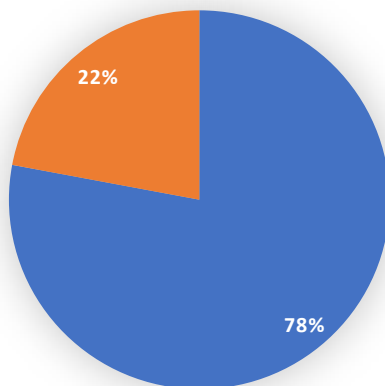
با بررسی عمیق خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه می‌توان دریافت که امام علی علیه السلام اهمیت بُعد فردی اعمال صالح تأکید ویژه‌ای داشته‌اند؛ چنان‌که پیامد اعمال صالح به‌طور عمده (۷۸٪) فردی است؛ از جمله: سعادت (خ ۸۶، ۱۳۲، ۱۷۸، ۲۲۳، ن ۴۵)، پاداش الهی (خ ۲۳، ۸۳، ۹۰، ۱۴۲، ۲۰۹، ن ۵۳)، افزایش روزی (خ ۲۳، ۱۱۰، ۱۴۳)، بهشتی شدن (خ ۱۶، ۱۲۴، ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۹۲) و ...

این مطلب حاکی از آن است که نتایج مستقیم این اعمال بیشتر متوجه خود فرد

انجام‌دهنده است؛ به این معنا که با انجام اعمال نیک، انسان هم به کمال فردی می‌رسد و هم به بهبود جامعه کمک می‌کند. به عبارت دیگر اصلاح فردی و اجتماعی به هم مرتبط هستند و با تزکیه نفس، افراد به سمت تعاملات اجتماعی سالم ترسوق پیدا می‌کنند.

امام علی علیه السلام به برخی از پیامدهای اجتماعی اعمال صالح نیز اشاره فرموده‌اند؛ از جمله: پیروزی (خ ۲۶، ۶۶، ۱۴۶، ۱۹۰)، جلوگیری از ستم و نیرنگ به مردم (خ ۴۱، ۲۲۴)، مدارا با مردم (ن ۵۳)، عزت و امنیت (خ ۱۹۲، ۱۹۸) و ...

اعمال صالح در مجموع ۱۱۳ پیامد فردی و ۳۲ پیامد اجتماعی دارند که در نمودار دایره‌ای زیر درصد تأثیرگذاری آن‌ها به تصویر کشیده شده است:



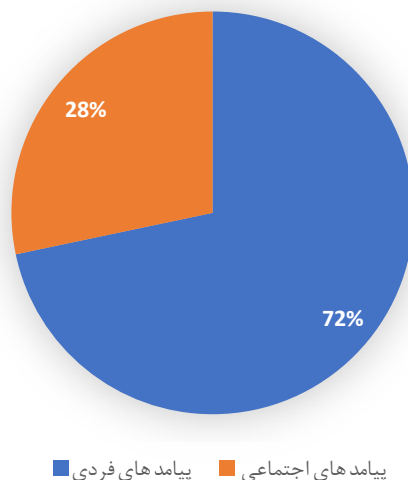
شکل ۲. درصد پیامدهای اعمال صالح براساس گستره تأثیر

در نامه‌ها و خطبه‌های نهج البلاغه، پیامدهای فردی و اجتماعی اعمال ناصالح تقریباً همچون نتایج اعمال صالح است؛ یعنی درصد پیامدهای فردی به صورت معناداری بیش از درصد پیامدهای اجتماعی است. از جمله پیامدهای فردی اعمال ناصالح می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هلاکت (خ ۲، ۱۶، ۹۰، ۹۷، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۵۷، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۸۸، ۱۹۲، ن ۳۱)، تسلط و حضور شیطان (خ ۵۰، ۸۶، ۱۲۷، ن ۶۹)، ایجاد غم و اندوه (خ ۲۷)، سلب نعمت‌ها (خ ۱۹۲، ن ۳۰)، زوال عقل (خ ۲۷، ۱۰۹، ۱۳۳، ن ۳۱) و ...

پیامدهای اجتماعی اعمال ناصالح نیز عبارت است از: شکسته شدن پیمان‌ها و

پیروی از جاهلان (خ ۱۳۹)، مبتلا شدن به شر و فساد (ن ۳۳)، ایجاد فتنه (خ ۵۰)، ستمکاری (ن ۵۳)، ذلت و خواری (خ ۲۷، ۱۶۰، ۱۹۲، ن ۵۳، ۶۲) و دیدگاه امام علی علیه السلام دربارهٔ ارتباط بین اصلاح فرد و جامعه در عصر حاضر نیز بسیار اهمیت دارد. ایشان معتقدند که بسیاری از مشکلات اجتماعی در مشکلات فردی ریشه دارد و برای داشتن جامعه‌ای بهتر، ابتدا باید فرد را اصلاح کرد. این دیدگاه نشان می‌دهد که شخصیت فردی و باورهای درونی هر فرد، پایه و اساس تعاملات اجتماعی او هستند؛ بنابراین برای اصلاح جامعه باید به اصلاح افراد آن پرداخت. از سوی دیگر، اعمال ناصالح به طور مستقیم بر روح و روان تأثیر گذاشته و موجب ایجاد احساس گناه، اضطراب، افسردگی و کاهش عزت نفس در فرد می‌شوند؛ چنان‌که برخی از آثار آن‌ها قابل جبران نیست. اعمال ناصالح در مجموع ۱۱۴ پیامد فردی و ۴۵ پیامد اجتماعی دارند که در نمودار زیر به تفکیک درصد نشان داده شده است:



شکل ۳. درصد پیامدهای اعمال ناصالح براساس گسترهٔ تأثیر

۲-۱-۴. براساس زمان بروز

هرانتخاب و هر عملی، صرف نظر از نیک و بد، پیامدی در دنیا و آخرت دارد. پیامدهای دنیوی می‌توانند سریع و آنی باشند؛ مانند لبخندی که از کمک به فردی

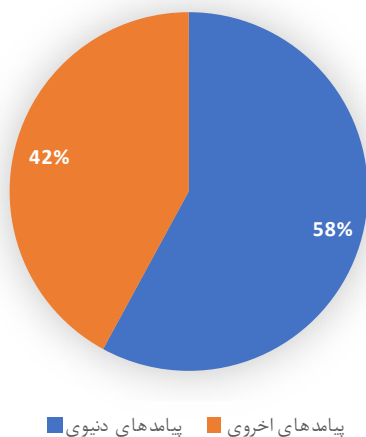
نیازمند بر لبان شخص می‌نشیند یا ناراحتی و پشیمانی ناشی از انجام کاری اشتباه. همچنین پیامدهای دنیوی در برخی موارد خود را به صورت غیرمستقیم و در بلندمدت نشان می‌دهند؛ برای نمونه تلاش و پشتکار یک فرد در تحصیل و کسب علم که سرانجام به موفقیت او در شغل و زندگی و کسب روزی حلال خواهد انجامید یا کسب روزی پس از انجام عملی صالح یا هدایت شدن به مسیر درست پس از اطاعت از پیامبر.

از جمله مهم‌ترین پیامدهای دنیوی اعمال صالح که در خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه به آن‌ها اشاره شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شناخت عیوب دنیا (خ ۱۶)، تکمیل نعمت (خ ۱۷۳، ۱۸۸)، درهم شکستن تکبر (خ ۱۹۲)، رهایی از شبهات (خ ۱۶)، خودسازی (ن ۵۳)، یافتن راه راست (خ ۱۸۵، ۲۱۴)، مداوای بیماری‌های روحی (خ ۱۹۱)، دور شدن مرگ ناگهانی (خ ۱۱۰)، طول عمر (خ ۱۱۰) و ... در مقابل، پیامدهای اخروی براساس اعمال و کردار فرد در دنیا تعیین می‌شوند. رسیدن به سعادت، بهشت، پاداش الهی یا عذاب و مجازات الهی از جمله مهم‌ترین پیامدهای اخروی اعمال هستند. برخی از نتایج اخروی ناشی از انجام اعمال صالح که در متون نهج‌البلاغه به آن‌ها اشاره شده، عبارت‌اند از: بهشتی شدن (خ ۱۶، ۱۲۴، ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۹۲)، رضایت پروردگار (خ ۲، ۱۲۹، ۲۲۲)، پاک شدن گناهان (خ ۱۱۰، ۴۵) و ...

اعمال صالح افزون بر آثار اخروی، نتایج مثبتی نیز در زندگی دنیوی دارند و این نشان‌دهنده اهمیت بعد معنوی و اخلاقی این اعمال است. نزدیکی نسبت پیامدهای دنیوی و اخروی و تفاوت اندک تعداد آن‌ها (۵۸٪ و ۴۲٪) نشان می‌دهد که اعمال صالح تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی انسان دارند که فراتر از پاداش‌های اخروی است و نه تنها به زندگی پس از مرگ، بلکه به زندگی دنیوی نیز بهبود می‌بخشند. امیرمؤمنان علیه السلام با تبیین آموزه‌های دین اسلام، بر اهمیت تعادل بین زندگی دنیا و آخرت تأکید دارند. این تعادل بدین معناست که انسان باید هم به وظایف دنیوی خود عمل کند و هم به آخرت توجه داشته باشد. در ضمن، تأکید بیشتر بر پیامدهای دنیوی اعمال صالح به معنای نادیده گرفتن پیامدهای اخروی آن نیست؛ بلکه نشان‌دهنده اهمیت هر دو بُعد زندگی است. از میان ۱۴۵

پیامد شناسایی شده برای اعمال صالح، ۸۴ پیامد در دنیا و ۶۱ پیامد در آخرت بروز می‌کنند:



شکل ۴. درصد پیامدهای اعمال صالح بر اساس زمان بروز

اعمال ناصالح در زندگی دنیوی انسان نتایجی چون قطع پیوند با خداوند (خ ۱۶۱)، حزن و اندوه (خ ۲۷، ۱۶۱)، مرگ ناگهانی (خ ۱۴۷)، اتلاف وقت (ن ۳۱)، بلا و مصیبت (خ ۱۲۷) و ... را به همراه دارند.

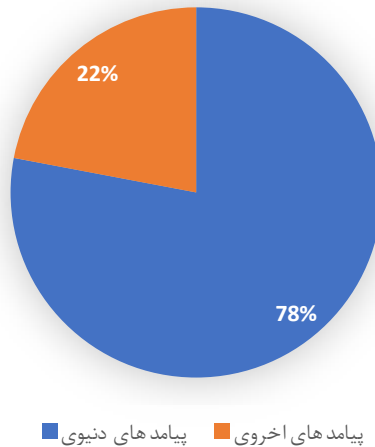
افزون بر عواقب دنیوی، اعمال ناصالح، انسان را در معرض عذاب‌های اخروی‌ای مانند خشم پروردگار (خ ۱۰۹)، دوری از رحمت خداوند (خ ۱۷۵، ۱۹۲)، جهنمی شدن (خ ۱۹۲) و ... قرار می‌دهند.

تفاوت معنادار در تعداد پیامدهای دنیوی و اخروی اعمال ناصالح، یافته‌ای جالب و قابل تأمل است. این یافته نشان می‌دهد که در دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پیامدهای دنیوی گناهان تأکید بیشتری شده است. علت این تأکید نیز ملموس بودن و کوتاه مدت بودن این پیامدها و ارتباط مستقیم آن‌ها با زندگی فرد است. ملموس بودن پیامدهای دنیوی باعث می‌شود که افراد به راحتی آن‌ها را درک کرده و جدی بگیرند. بدین سان این رویکرد، ابزاری مؤثر برای ترغیب افراد به ترک گناه است.

از سوی دیگر پیامدهای اخروی گناهان، مانند عذاب جهنم و محرومیت از

نعمت‌های بهشت، مفاهیمی انتزاعی و پیچیده‌اند که درک آن‌ها برای بسیاری از افراد دشوار است. افزون بر این زمان وقوع این‌گونه پیامدها نیز نامعلوم بوده و همین امر باعث می‌شود که افراد به آن‌ها به اندازه پیامدهای دنیوی اهمیت ندهند؛ هرچند این به معنای اهمیت کمتر پیامدهای اخروی گناهان نیست. اگرچه بسیاری از گناهان، به‌ویژه گناهان پنهانی ممکن است در دنیا عواقب آنی نداشته باشند، در طولانی مدت و آخرت عذاب‌های شدیدی خواهند داشت.

از مجموع ۱۵۹ پیامدی که برای اعمال ناصالح برشمرده شده، ۱۲۴ پیامد در زندگی دنیوی و ۳۵ پیامد در آخرت بروز می‌کند که در نمودار زیر توزیع درصد آن‌ها به تصویر کشیده شده است:



شکل ۵. درصد پیامدهای اعمال ناصالح براساس زمان بروز

۲-۴. سبک‌های بیان پیامدها

امام علی علیه السلام با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون بیان، اعمال و پیامدهای آن‌ها را به تصویر کشیده‌اند. این تنوع در شیوه‌های بیان و تکرار مفاهیم باعث می‌شود مخاطب از زوایای مختلف به موضوع نگاه کرده و درک عمیق‌تری به آن پیدا کند. همچنین این امر باعث می‌شود که پیام در ذهن مخاطب ماندگار شود و تأثیر طولانی مدتی بر او بگذارد.

تنوع شیوه‌های بیان امام علی علیه السلام نشان از هوشمندی و درایت ایشان در انتقال مفاهیم دینی و اخلاقی دارد. این شیوه‌ها نه تنها برای مخاطبان آن زمان، بلکه برای همه انسان‌ها در طول تاریخ آموزنده و الهام‌بخش است.

۴-۲-۱. پیامدهای ساده

در مدل پیامدهای ساده، هر عملی را می‌توان به عنوان علت و نتیجه آن را به عنوان معلول در نظر گرفت. به عبارت دیگر، در این نوع پیامد، هر انتخاب، تصمیم یا اعتقاد فرد به طور مستقیم به یک نتیجه مشخص می‌انجامد. این نوع از رابطه علی، ساده و خطی است؛ از جمله:

الف) اجتناب از محرمات باعث سعادت فرد می‌شود. این مطلب در کتاب شریف نهج البلاغه به این صورت بیان شده است: «إِنَّ السُّعْدَاءَ بِالذُّنْيَا غَدَا هُمْ الْهَارِبُونَ مِنْهَا أَلْيَوْمَ؛ فردای قیامت نیکبختان دنیا کسانی هستند که امروز از آن گریزان‌اند.» (خ ۲۲۳).
ب) توجه به بهشت و نعمت‌های آن باعث زهد و دل‌کندن از دنیا می‌شود؛ چراکه دنیا و زیبایی‌های آن در مقابل عظمت و زیبایی‌های بهشت هیچ ارزشی ندارد: «فَلَوْرَمِيتَ بِبَصْرِ قَلْبِكَ نَحْوَمَا يُوصَفُ لَكَ مِنْهَا لَعَرَفْتَ نَفْسَكَ عَنْ بَدَائِعِ مَا أُخْرِجَ إِلَى الدُّنْيَا مِنْ شَهَوَاتِهَا وَ لَذَائِهَا وَ زَخَافِ مَنَاطِرِهَا؛ اگر با دیده دل بدانچه از بهشت برایت توصیف کرده‌اند بنگری، از هرچه مربوط به دنیاست دل خواهی کند؛ هرچند جالب و زیباست و خواهش‌های نفسانی و خوشی‌هایش از اموری است که انسان را به خود جلب می‌کند» (خ ۱۶۵).

ج) امام علی علیه السلام در سخن از پیامد عیب‌پوشی، بر حفظ آبروی افراد در جامعه تأکید می‌کند: «وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ؛ و داوری درباره آنچه از تو پنهان است با پروردگار خواهد بود؛ پس تا آنجا که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان تا خداوند نیز عیب‌هایت را که دوست داری از چشم مردم پنهان باشد، بپوشاند» (ن ۵۳).

عیب‌پوشی باعث حفظ آبرو و احترام فرد خاطی در جامعه می‌شود و به او فرصت

می دهد اشتباهات خود را جبران کند. عیب پوشی همچنین از بروز تنش و درگیری در جامعه جلوگیری می کند و مانع آشکار شدن عیوب فرد می شود.

د) امام علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه، مهربانی و عطوفت را کلید جلب محبت سربازان و ایجاد رابطه عاطفی قوی بین فرمانده و آنان می داند: «وَلْيَكُنْ أَثَرُ رُؤُوسِ جُنْدِكَ عِنْدَكَ مِنْ وَاَسَاهُمْ فِي مَعُونَتِهِ وَأَفْضَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ جِدَّتِهِ بِمَا يَسْعُهُمْ وَيَسْعَ مَنْ وَرَاءَهُمْ مِنْ خُلُوفِ أَهْلِيهِمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَمُّهُمْ هَمًّا وَاحِدًا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ فَإِنَّ عَظْفَكَ عَلَيْهِمْ يَعْطِفُ قُلُوبَهُمْ عَلَيْكَ؛ باید سران سپاهت اشخاصی باشند که با سپاهیان یار بوده، با آن ها همراهی کنند و از توانایی خود به آن ها ببخشایند به اندازه ای که ایشان و خانواده شان در آسایش باشند تا اینکه وقتی جنگ شد در برابر دشمن یک دل و یک اندیشه گردند و ثمره مهربانی و کمک تو به آنان این است که دل هایشان به تو متوجه و مهربان می شود».

این آموزه امام علیه السلام درباره مهربانی و جلب محبت نه تنها در عرصه نظامی، بلکه در تمامی روابط انسانی و مدیریتی کاربرد دارد.

ه) امیرالمؤمنین در بخشی از وصیت خویش خطاب به امام حسن علیه السلام می فرماید: «مَنْ أَمِنَ الزَّمَانَ خَانَهُ وَمَنْ أَعْظَمَهُ أَهَانَهُ؛ هرکس به زمانه اعتماد کند، زمانه بدو خیانت نماید و هرکس روزگار را بزرگ شمرد، او را خوار خواهد کرد» (ن ۳۱). استفاده از کلمه «خیانت» در این جمله به علت تغییر زمانه در صورت غفلت و اعتماد به آن است. در این حالت، زمانه مانند دوستی خائن است. جمله «کسی که آن را بزرگوار می داند»، مانند کسی است که می گوید دنیا همچون کنیزی پست و عاشق پیشه است. هرچه فرد بیشتر او را دوست داشته باشد و بر او دل ببندد، دنیا بیشتر او را فریب می دهد (دنبلی خوبی، ۱۳۲۵: ۳۲۳).

و) نرسیدن از قیامت، پیامدی ناگوار و خطرناک برای انسان در پی دارد: «فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَخْذَرْ مَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ لَمْ يَقْدَمْ لِنَفْسِهِ مَا يُخْرِجُهَا؛ همانا کسی که از روز قیامت نترسد، زاد و توشه ای از پیش نخواهد فرستاد (ن ۵۱). انسان به طور طبیعی به آینده می اندیشد و برای هر سفری تدارک می بیند؛ قیامت نیز سفری طولانی و سرنوشت ساز است که نیازمند آمادگی است. در این سفر، انسان باید پاسخگوی اعمال خود باشد و پاداش یا عقاب آن را دریافت

کند. ترس از قیامت انسان را به انجام کارهای نیک و پرهیز از گناه وامی‌دارد. کسانی که از قیامت نمی‌ترسند، در آن روز دست خالی و پشیمان خواهند بود. بخشی از پیامدهای ساده مورد مطالعه در جدول‌های زیر فهرست وار ارائه شده است:

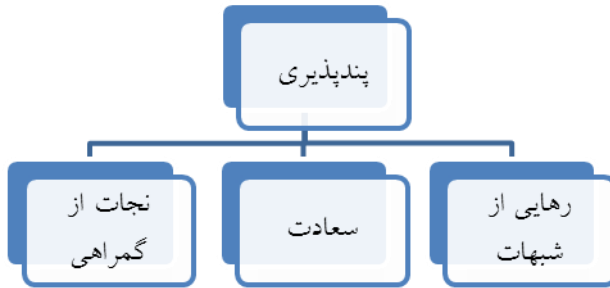
عمل صالح	پیامد	عمل ناصالح	پیامد
اجتناب از حرام	سعادت	ادعای باطل	هلاکت
توجه به بهشت	دل‌کندن از دنیا	اعتماد به روزگار	خیانت زمانه
حفظ حجاب	سلامت فرد و جامعه	ترک حج	عذاب الهی
عفو و گذشت	بخشیده شدن	تفکر در ذات خداوند	حیرت و سرگردانی
عیب‌پوشی	حفظ آبرو	حسادت	نابودی ایمان
مهربانی	جلب محبت	نترسیدن از قیامت	آماده نکردن توشه

۴-۲-۲. پیامدهای چندگانه

در مقابل مفهوم پیامدهای ساده که در آن هر عملی به یک نتیجه مشخص می‌انجامد، مفهوم پیامدهای چندگانه مطرح می‌شود؛ یعنی یک عمل می‌تواند هم‌زمان نتایج مختلفی در زندگی دنیوی و اخروی ایجاد کند. این امر نشان می‌دهد که رابطه بین اعمال و نتایج آن‌ها بسیار پیچیده‌تر از آن است که تصور می‌شود و اعمال فرد ابعاد مختلفی دارد که بر زندگی او تأثیر می‌گذارد. با بررسی دقیق نهج البلاغه می‌توان نمونه‌های بسیاری از این اعمال چندپیامدی را یافت. گاه این پیامدها در یک عبارت کوتاه و گاه در چند خطبه و نامه پراکنده شده؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از نخستین خطبه‌های خود پس از رسیدن به حکومت در مدینه درباره پیامد پندپذیری می‌فرماید: «إِنَّ مَنْ صَرَخَتْ لَهُ الْعِبْرَةُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَزَبَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَفْحِيمِ الشُّبُهَاتِ؛ همانا هرکس از کیفی‌های روزگار که پیش چشم اوست عبرت گیرد، تقوا را پیشه خود قرار می‌دهد و گرفتار شبهه‌ها نمی‌شود (خ ۱۶). ایشان جای دیگر می‌فرماید: «السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ؛ سعادتمند آن است که از دیگران پند پذیرد (خ ۸۶). این جمله از کلام امام علیه السلام چندان تکرار شده، که به صورت

ضرب المثل درآمده و بیان‌کننده اهمیت یادگیری از تجارب و سرنوشت دیگران است؛ یعنی سعادت‌مند در آخرت کسی است که از مطالعه و بررسی وضع دیگران پند و عبرت بگیرد، به راهی که ستمگران رفته‌اند نرود، از بدعاقبتی آن‌ها بترسد و راه و روش آنان را واگذارد. از سوی دیگر حال پرهیزگاران را ببیند و مسیر آنان را ببیند و به دنبال پندگیری از دیگران باشد که این امر به سعادت اخروی می‌انجامد (بحرانی، ۱۳۷۵: ۲/ ۶۰۳). کسی که با شنیدن، تفکر و تعمق، بصیرت و بینایی حقیقی کسب می‌کند، از سرنوشت دیگران درس می‌گیرد و از گمراهی‌های رهایی می‌یابد. امام علی علیه السلام به زیبایی این حقیقت را بیان می‌کند: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي؛ شخص بصیر و بینا کسی است که بشنود و بیندیشد، واقعیت‌ها را ببیند و بصیرت پیدا کند و از آنچه مایه عبرت است، بهره‌مند گردد، آن‌گاه راه واضح را سیر کند و از افتادن در پرتگاه‌ها اجتناب نماید» (خ ۱۵۳).

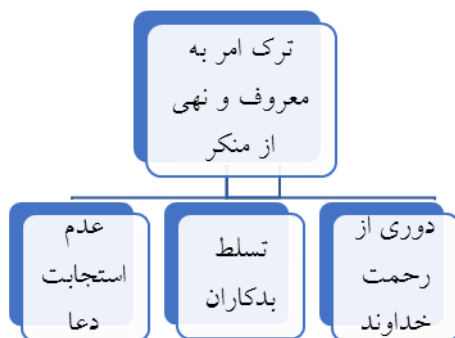


ب) ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهم‌ترین عوامل دوری از رحمت الهی است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقَرْنَ الْمَاضِي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لَتَزَكِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِي عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ الشُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَ الْحُلَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي؛ چراکه خداوند سبحان پیشینیان را از رحمت خود دور نفرموده؛ مگر به جهت ترک امر به معروف و نهی از منکر. بنابراین نادانان را به خاطر انجام معاصی و گناهان و دانایان را به علت ترک نهی از منکر لعنت فرمود (خ ۱۹۲).

امام علی علیه السلام پس از ضربت ابن ملجم در وصیت خود به امام حسن و امام حسین علیهما السلام ضمن نهی از خون‌خواهی، آنان را به انجام کارهای نیک سفارش کرده و فرمودند: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِي عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُوَلِّي عَلَيْكُمْ أَشْرَارَكُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را وانگذارید که بدکارانتان بر شما مسلط شوند (ن ۴۷).

امام علیه السلام معتقد است که هر گروهی مؤظف به انجام امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا خداوند متعال این فریضه‌ها را بر مسلمانان واجب کرده؛ به گونه‌ای که هرکس با توجه به شرایط و اوضاع خود و با رعایت شروط، سبک و روش مناسب خود، آن‌ها را انجام دهد. امام علیه السلام سپس مؤمنان را از عواقب کوتاهی در انجام این دو واجب ترسانده و می‌فرماید که در نتیجه ترک این دو فریضه اشرار برگردن بندگان مسلط شده و حال امت را فاسد می‌کنند. همچنین آشوب فراگیر شده و احکام دین تعطیل و سنت فرستاده خدا باطل می‌شود (موسوی، ۱۴۱۸: ۴ / ۴۹۱). با ترک دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر، شایستگی اجابت دعا از دست می‌رود و در نتیجه دعای نیکوکاران، علما و مردم عادی مستجاب نمی‌شود. در این راستا، امام در ادامه وصیت‌نامه خود می‌فرماید: «ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ؛ آن‌گاه دعا کنید و به اجابت نرسد» (ن ۴۷).

جامعه‌ای که در آن منکرات رواج پیدا می‌کند و معروف نادیده گرفته می‌شود، به تدریج در گناه غرق می‌شود. این گناهان، مانند دیواری ضخیم مانع رسیدن دعا به عرش الهی و اجابت آن از سوی خداوند متعال می‌شود.



۴-۲-۳. پیامدهای مشترک (مرگب)

در کنار پیامدهای ساده و چندگانه، نوع دیگری از پیامدها را می‌توان دید که مشترک هستند و این نشان می‌دهد که یک نتیجه مشخص می‌تواند از دلایل مختلفی نشئت بگیرد. به عبارت دیگر، چندین راه مختلف برای رسیدن به یک هدف وجود دارد و چندین عمل یا باور مختلف می‌توانند به یک نتیجه واحد بینجامند. بخشی از نتایج مشترک استخراج شده از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه در زیر به دو شیوه (شماتیک و فهرست وار) ارائه شده است:



- اجتناب از خیانت، تقوا، تواضع، رعایت حقوق دیگران، شکرگزاری، صدقه، صلۀ رحم — پاداش الهی؛
- اجتناب از خیانت، تقوا، جهاد، روزه، صبر و راست‌گویی — محافظت در برابر بلا و عذاب؛
- شعارزدگی، درافتادن با حق، بدعت، ترک جهاد، ترک میانه‌روی، تکبر و خودپسندی، دشمنی با خداوند، ستمکاری، طمع‌ورزی، حسابرسی نکردن نفس، کنترل نکردن زبان، هواپرستی — هلاکت؛

- اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام، تواضع، توبه، حج، یاد خدا، شکرگزاری، مبارزه با نفس **←** دریافت رحمت الهی؛
- اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام، خواندن قرآن و عمل به آن، رعایت حقوق دیگران، مبارزه با نفس **←** هدایت؛
- اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام، انجام واجبات، تقوا، جهاد، حج و عمره **←** بهشت؛
- اطاعت از خدا، ذکر و یاد خداوند، شهادت به یکتایی پروردگار **←** رضایت و خشنودی پروردگار؛
- اطاعت از خدا، جهاد، خواندن قرآن و عمل به آن، صبر **←** پیروزی؛
- اطاعت از خدا، توبه و استغفار **←** تکمیل نعمت؛
- اجتناب از خیانت، توبه و استغفار **←** افزایش روزی؛
- بی‌انصافی، گناه، مشورت با حریص، هواپرستی **←** ستمکاری؛
- انتخاب دینی غیر از اسلام، دنیاپرستی و گناه **←** سقوط؛
- تفکر در عظمت خدا، توبه و استغفار **←** یافتن راه راست؛
- تقوا، پندپذیری **←** رهایی از شبهات؛
- تقوا و فروخوردن خشم **←** عاقبت به خیری؛
- تقوا، توبه و استغفار، حج و عمره، زکات، صدقه **←** بخشش گناهان؛
- تقوا، خواندن قرآن و عمل به آن، صبر، نماز، وفا و راست‌گویی، پندپذیری، **←** نجات؛
- تقوا، ذکر و یاد خدا، قناعت **←** آرامش؛
- حج و عمره، روزه، زکات، انجام واجبات **←** تواضع؛
- توبه و استغفار، دعا **←** اصلاح فسادها؛
- تفکر در عظمت خداوند، توبه و استغفار **←** یافتن راه راست؛
- توکل و دعا **←** کفایت خداوند؛
- جهاد، زکات، صدقه **←** تقرب به خداوند؛

- انجام واجبات، تواضع و فروتنی، شهادت به یکتایی خدا — دور شدن شیطان؛
- صدقه و صلۀ رحم — شرافت و بزرگی در دنیا، درک فضائل و ثواب آخرت؛
- آمیختن حق و باطل، تفرقه، تکبر، خشم، ستایش طلبی، حسابرسی نکردن نفس، فرار از جهاد، نشستن در بازار، هم نشینی با هواپرستان — تسلط و حضور شیطان؛
- انجام عمل بدون علم و نافرمانی از رهبر — نرسیدن به هدف؛
- ریختن خون ناحق و نافرمانی از رهبر — زوال حکومت؛
- پرحرفی، خیانت در امانت، دروغ، فریب نفس، هواپرستی — زیان کاری؛
- آرزوهای طولانی، دنیاپرستی، ترک جهاد، شیطان زدگی، تکبر و خودپسندی — زوال عقل؛
- آرزوهای طولانی و دنیاپرستی — تسلط دنیا؛
- بدعت، شیطان زدگی، نشستن در بازار و گذرگاه‌ها، هواپرستی — ایجاد فتنه؛
- بی‌انصافی، ستمکاری — دشمنی خداوند؛
- تکبر و خودپسندی، عدم حسابرسی نفس، فرار از جهاد، ترک واجبات — سرگردانی و حیرت؛

- فرار از جهاد، نافرمانی از رهبر، خشم و عصبانیت — پشیمانی؛
- دنیاپرستی و هواپرستی — کوردلی.

۴-۲-۴. پیامدهای اعمال متقابل (متضاد)

برخی از اعمال یادشده در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه گاهی دوسویه و ناظر به جنبه اثبات و نفی اعمال یا وقایع هستند (بایگانیان و خوش خاضع، ۱۴۰۱: ۸)؛ به گونه‌ای که انجام یک عمل خاص نه تنها پیامدهای مثبت یا منفی مستقیم به همراه دارد، بلکه انجام ندادن آن نیز به نوبه خود به نتایجی مشخص می‌انجامد؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌های خود به مالک اشتر، زیاد بن ابیه و مأمور جمع‌آوری زکات به شدت آنان را از خیانت برحذر داشته و با ترسیم پیامدهای مثبت اجتناب از

خیانت، به رهایی از این رذیله و گام نهادن در مسیر صراط مستقیم دعوت می‌کنند. پرهیز از خیانت فرد را از پاداش و عنایت خداوند برخوردار کرده، دریچه‌های روزی و برکت را به روی او گشوده (خ ۲۳) و همچون سپری محکم او را از گزند آسیب‌ها و خطرات در امان نگه می‌دارد (خ ۴۱). از سوی دیگر خیانت در امانت، تصاحب اموالی است که به امانت سپرده شده و فعلی حرام و گناه کبیره به شمار می‌آید. قرآن (انفال / ۲۷) و روایات بر حفظ امانت تأکید دارند. دلایل عقلی نیز حرمت آن را اثبات می‌کند. انحصار طلبی، بی‌تقوایی، حرص و تعلق خاطر افراطی به فرزند از جمله عوامل خیانت هستند که پیامدهایی همچون زیان‌کاری (خ ۱۹۹)، خواری (ن ۲۶) و خشم خداوند (ن ۴۰) را در پی دارند.

ب) انجام واجبات نقشی اساسی در کمال انسان و قرب الی‌الله دارد. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۱/۲)؛ خداوند می‌فرماید هیچ بنده‌ای نمی‌تواند محبت مرا به خود جلب کند؛ مگر اینکه واجبات مرا دوست داشته باشد و به آن عمل کند.

پایبندی به این عمل صالح بهشتی شدن (خطبه ۱۶۷)، درهم شکستن تکبر (خ ۱۹۲) و رستگاری (ن ۴۵) فرد را در پی دارد. ترک واجبات نیز امتناع آگاهانه از انجام دستورات الهی است که گناهی بزرگ بوده و به پیامدهایی همچون حیرت و اندوه (خ ۸۳) می‌انجامد.

ج) خشم واکنشی طبیعی به تهدیدات است. این احساس در برابر تهدیدهای واقعی، مفید و ضروری است؛ اما اگر در برابر مسائل کوچک به شدت بروز کند، به اختلال تبدیل شده و پیامدهای منفی خواهد داشت. کظم غیظ یعنی فروخوردن خشم به رغم قدرت انتقام خودداری از روی عجز و ناتوانی به شمار نمی‌آید؛ بلکه فضیلتی اخلاقی و از ویژگی‌های متقین است. چنین کسانی با وجود قدرت بر عقوبت شخص مقصر، گذشت کرده و صبرپیشه می‌کنند (غروی و احمدی آشتیانی، ۱۳۹۶: ۳۹-۵۲). امام علی علیه السلام غضب را از شیطان می‌دانند و می‌فرمایند: «إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَإِنَّهُ طَيْرَةٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ؛ پرهیز از غضب که غضب پرشی از شیطان است» (ن ۷۶). بزرگان استعاده،

تغییر حالت و وضو گرفتن را از راهکارهای کنترل خشم می‌دانند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام فرو خوردن خشم و غضب را به دارویی تلخ تشبیه کرده‌اند که انسان ناچار است آن را جرعه جرعه بنوشد؛ ولی چون شفا بخش است، عاقبتی شیرین دارد. افرادی که راه خشم و خشونت را درپیش می‌گیرند و خویشتن‌داری نمی‌کنند، غالباً دچار شرمساری و ندامت می‌شوند؛ ولی فرو نشانیدن خشم و نرمش می‌تواند دشمنی را به دوستی و محبت تبدیل کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۹/۶۵۳). بنابراین کسی که خشمش را کنترل می‌کند، مرتکب عمل یا سخنی نمی‌شود که به پشیمانی بینجامد و او در آینده از خویشتن‌داری خود خشنود خواهد بود (ن ۳۱). دیگر پیامد کنترل خشم عاقبت‌به‌خیری است (ن ۶۹). در مقابل، نتیجه خشم و عصبانیت پشیمانی است. انسان تندخو در بیشتر موارد پس از فروکش کردن خشم از رفتار و گفتار خود پشیمان می‌شود و این نشان‌دهنده نبود عقلانیت و فقدان تفکر در زمان عصبانیت است. در خطبه ۱۹۲ (قاصعه)، امام علی علیه السلام با اشاره به داستان هابیل و قابیل، بر خطرات تکبر و حسادت تأکید کرده و نشان می‌دهند که این صفات زشت به قتل و پشیمانی ابدی می‌انجامند.

د) یکی از ارکان اصلی تشکیل و تداوم جامعه و زندگی گروهی «اطاعت» است. انتخاب رهبر و سرپرستی که مسیر تعالی را به درستی پیماید و دارای شرایط اطاعت باشد، ضرورتی انکارناپذیر است. با پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام رحمت الهی شامل حال انسان شده و او از عذاب درامان می‌ماند (خ ۱۰۹). این پیروی فرد را به سوی هدایت (خ ۱۱۰) و بهشت (خ ۱۵۶) رهنمون می‌سازد. ائمه اطهار علیهم السلام با سیره و آموزه‌های نورانی خود مسیر استگاری را به بشریت نشان می‌دهند و هرگونه دور شدن از آموزه‌ها و سیره عملی و رفتاری ایشان انحراف به شمار می‌آید. مصادیق انحراف از راه اهل بیت علیهم السلام شامل انحراف در اعتقادات (باورهای غلط و خرافی درباره امامان علیهم السلام مانند غلو، شرک‌ورزی و یا انکار مقام ایشان)، انحراف در اعمال (انجام رفتار مغایر با سیره و آموزه‌های امامان علیهم السلام مانند ظلم، دروغ، غیبت و...)، انحراف در سبک زندگی (تقلید

کورکورانه از فرهنگ و رفتارهای غربی و دوری از سبک زندگی اسلامی) است. انحراف از راه اهل بیت علیهم‌السلام به گمراهی (خ ۹۷، ۱۶۰)، خشم الهی (خ ۱۰۹)، شکستن پیمان‌ها و پیروی از نادانان (خ ۱۳۹) می‌انجامد.

همه هرگونه تلاش برای بهبود خویش و جامعه، به‌ویژه وقتی برای رضای خداوند باشد، نوعی جهاد است. کلمه جهاد حتی اگر به صورت مطلق به کار رود، تلاشی است در راه هدف الهی که تا دست شستن از زندگی و حیات را در بر می‌گیرد. اهدافی مانند کسب مال و مقام، ارضای حس انتقام‌جویی و انواع دیگر خودخواهی که مصداق هدف الهی نیستند، جهاد به‌شمار نمی‌آیند. قتال و مقاتله تلاشی در مرز زندگی و مرگ است که چنانچه با هدفی الهی باشد، جهاد است. بدین سان از کوچک‌ترین حرکت هدف‌دار بدون توقع مادی گرفته تا کشته شدن در راه خدا جهاد نامیده می‌شود (جعفری تبریزی، ۱۳۸۵: ۳۹۸). جهاد راهی به سوی بهشت (خ ۲۷، ۱۲۴) و سپر محکمی در برابر عذاب الهی (خ ۲۷) است. این عمل وسیله‌ای برای تقرب به خداوند (خ ۱۱۰) و آشکار شدن حق و پیروزی (خ ۶۶، ۱۹۰) است. از سوی دیگر وقتی انسان درک درستی از زندگی ندارد و دنیا را تنها در بُعد حیوانی خود خلاصه می‌کند، در تعلقات و وابستگی‌های دنیوی مانند خانواده، ثروت، مال و مقام غرق می‌شود. این وابستگی‌ها او را اسیر خود کرده و مانع از انجام وظایف مهم‌تر و ارزشمندتر مانند جهاد در راه خدا می‌شوند. ترک جهاد به معنای پذیرفتن خواری و ذلت، بلا و مصیبت، زوال عقل، محرومیت از عدالت (خ ۲۷) و سرانجام هلاکت (خ ۱۲۳) است. فرار از جهاد نیز به معنای ترک واجب الهی به هنگام وقوع جنگ و نبرد با دشمنان دین است. این گناه بزرگ زمانی اتفاق می‌افتد که فرد مسلمان هنگام رویارویی با دشمن از ترس یا به هر علت دیگری، میدان نبرد را ترک کند. چنین عملی به‌طور آشکار و علنی انجام می‌شود و قابل کتمان نیست؛ اما ترک جهاد به معنای حاضر نشدن در میدان نبرد از ابتداست. ممکن است فرد مسلمان به علت ترس، بیماری، ضعف جسمانی یا دیگر عذرهای موجه از حضور در جهاد خودداری کند که چنانچه عذرش موجه باشد، گناهی براو نیست و گرنه مرتکب گناه شده است. فرار از

جهاد عواقبی چون ننگ و ملامت، آتش دوزخ (خ ۶۶)، افزوده نشدن به عمر (خ ۱۲۴)، پشیمانی، گمراهی و سرگردانی (خ ۱۸۱) در پی دارد.

۴-۲-۵. پیامدهای متتابع (زنجیره‌ای)

بیان زنجیره‌ای و متتابع پیامدها از دیگر روش‌های ذکر پیامدهای اعمال در نهج البلاغه است؛ به این معنا که یک رویداد یا پیامد به دنبال خود نتیجه یا مجموعه‌ای از نتایج را به همراه می‌آورد که هر یک از این نتایج به نوبه خود بر رویداد بعدی تأثیر می‌گذارد. این مفهوم نشان می‌دهد که اعمال و انتخاب‌های ما نه تنها بر لحظه حال، بلکه بر آینده و حتی زندگی دیگران تأثیرگذار است. در این مدل، رویدادها همچون دُمینوهای عمل می‌کنند که با افتادن هر کدام، دُمینوی بعدی نیز می‌افتد. درک این ارتباط علی به افراد کمک می‌کند تا مسئولیت‌پذیری بیشتری در قبال تصمیمات خود داشته، عواقب احتمالی آن‌ها را در نظر بگیرند، پدیده‌های اجتماعی پیچیده را بهتر درک کنند و به دنبال راه‌حل‌های پایدار برای مشکلات باشند؛ برای نمونه با درک پیامدهای پی‌درپی، افراد می‌توانند ارتباط بین خواری و حرص و طمع و دنیاپرستی را بهتر درک کرده و برای بهبود شرایط فردی و اجتماعی بکوشند:

الف) ایمان به آخرت مانند حلقه‌ای در زنجیره‌ای از رویدادها باعث اجتناب از خیانت می‌شود. این عمل نیک به نوبه خود موجب کسب پاداش الهی، روزی فراوان و حفاظت در برابر بلا و عذاب می‌شود. بدین سان یک عمل نیک نه تنها به خود فرد سود می‌رساند، بلکه تأثیرات مثبت آن زندگی دیگران و جامعه را نیز در بر می‌گیرد.

ب) انجام اعمال نادرستی مانند بی‌انصافی، گناه، مشورت با افراد حریص و هواپرستی باعث ستم به دیگران می‌شود و ستمکاری عواقب بسیار سنگینی در پی دارد: خشم خداوند را برمی‌انگیزد و به عذاب الهی، مجازات در جهنم، نابودی آبرو و حیثیت و از بین رفتن نعمت‌های الهی می‌انجامد.

افزون بر آنچه گفته شد، موارد زیر نیز از جمله پیامدهای زنجیره‌ای ذکر شده در

خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه هستند:

- بصیرت ← پندپذیری ← رهایی از شبهات، سعادت، نجات از گمراهی؛
- روزه، زکات و حج و عمره ← تواضع ← رحمت و پاداش الهی؛
- ستایش طلبی ← خودپسندی ← هلاکت، سرگردانی، جهنمی شدن، زوال عقل، نابودی اعمال نیک و ...؛
- آرزوهای طولانی ← فراموشی آخرت ← سخن دروغ ← زیان‌کاری، خواری، آشکار شدن عیوب و ...؛
- شیطان‌زدگی ← پراکندگی ← ایجاد غم و اندوه، ذلت و خواری، سلب نعمت‌ها و ...؛
- دنیاپرستی ← حرص و طمع ← خواری و هلاکت.

نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد اگرچه تعداد اعمال ناصالح اندکی بیشتر از اعمال صالح است و این از نظر آماری معنادار قلمداد نمی‌شود، اما همین تفاوت اندک اهمیت توجه به ترک اعمال ناصالح را نمایان ساخته و حاکی از تأکید آموزه‌های دینی بر اهمیت بیشتر ترک گناه و تأثیر آن در تربیت انسان است. افزون بر این، پیامدهای فردی اعمال، چه صالح و چه ناصالح، به علت اهمیت تأثیر اصلاح فرد در اصلاح جامعه، به طور قابل توجهی بیشتر از پیامدهای اجتماعی اعمال است. از سوی دیگر پیامدهای دنیوی اعمال، به ویژه اعمال ناصالح، اغلب ملموس‌تر و عینی‌تر است و از این رو بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد. این یافته‌ها با رویکرد جامع و چندوجهی امام علی علیه السلام در بررسی پیامدهای اعمال هم‌سواست. ایشان با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون از جمله بیان اعمال متقابل، پیامدهای ساده، پیامدهای چندگانه، پیامدهای مشترک و پیامدهای پی‌درپی، به ابعاد مختلف و پیچیدگی‌های پیامدهای اعمال انسانی اشاره کرده و به عمق و پیچیدگی‌های این موضوع پرداخته‌اند. این تنوع بیان‌کننده آن است که پیامدهای هر

عمل فقط به خود آن عمل محدود نشده و ممکن است بر دیگر اعمال شخص و حتی بر اعمال دیگران اثرگذار باشد. گستردگی پیامدها امکان بررسی آن‌ها را از جنبه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی و روان‌شناختی فراهم می‌آورد. همچنین این یافته‌ها، به ویژه با توجه به اهمیت ترک گناه و اعمال ناصالح در آموزه‌های امام علی علیه السلام، برای طراحی برنامه‌های آموزشی و ترویجی در زمینه اخلاق و رفتار اجتماعی، می‌تواند بسیار مفید باشد.

با توجه به اهمیت موضوع و عمق آموزه‌های نهج البلاغه، توسعه روش‌های تحلیل متون ادبی و بلاغی، مقایسه تطبیقی با منابع دیگر و کاربرد عملی نتایج پژوهش در زمینه‌های آموزش اخلاق، مشاوره و سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌شود.

منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمدکاظم ارفع، انتشارات فیض کاشانی، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۲. بایگانیان، ملیکا و محمد جمال‌الدین خوش‌خاضع، «سبک‌ها و گونه‌های پیامدگویی در پندهای اخلاقی حکمت‌های نهج البلاغه»، مشکوة، سال ۴۱، شماره ۱۵۶، ۱۴۰۱ ش.
۳. بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ترجمه محمدصادق عارف و دیگران، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۵ ش.
۴. جعفری تبریزی، محمدتقی، شرح نهج البلاغه، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه، اصفهان، ۱۳۸۵ ش.
۵. دنبلی خوبی، ابراهیم بن حسین، الدرّة النجفیّة، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۲۵ ق.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دارالقلم، دمشق، ۱۴۱۶ ق.
۷. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، انتشارات امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۸۳ ش.
۸. شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیّة والشوارد، دارالأسوة، قم، ۱۴۱۶ ق.
۹. غروی، سیده سعیده و فرهاد احمدی آشتیانی، «بررسی تفسیری کظم غیظ در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۳۹۶ ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، صدرا، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. موسوی، السید عباس علی، شرح نهج البلاغه، دارالرسول الأکرم صلی الله علیه و آله، بیروت، ۱۴۱۸ ق.